

فصلنامه علمی- پژوهشی رهیافت

سال دوازدهم، شماره ۴۲، بهار ۱۳۹۷
صفحه ۲۵ تا ۴۲

هویت، قدرت، امنیت؛ جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی

امیرمحمد حاجی یوسفی / دانشیار علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده

مسئول) am-yousefi@sbu.ac.ir

سید محمد علی حسینی زاده / استادیار علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

احسانه محمدی / دانشجوی دکترای روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

رابطه اغلب پرتنش میان ج.ا.ایران و عربستان سعودی در مرکز تغییرات مهم سیاسی در منطقه خاورمیانه است. عواملی را که سبب اختلاف و منازعه طولانی در روابط این دو کشور گردیده است، می‌توان به دو سطح عوامل ساختاری و رفتاری تقسیم کرد. اغلب پژوهش‌های انجام گرفته در مطالعه روابط ایران و عربستان به یکی از سه عامل هویت، قدرت و امنیت اشاره کرده اند اما این سؤال‌ها وجود دارد که در زمان‌ها و شرایط مختلف کدام یک از این سه عامل در روابط دو کشور تعیین کننده تر بوده است؟ آیا سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال عربستان سعودی بیشتر تحت تأثیر عوامل ایدئولوژیک قرار داشته یا روابط آن با عربستان متأثر از ملاحظات ژئواستراتژیک (قدرت و امنیت) بوده است؟ یا رویکردی که هر سه عامل را در بر می‌گیرد؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها با استفاده از مدل نظری مقاله، میزان تأثیرگذاری، ترتیب اولویت و نحوه ارتباط سه عامل تعیین کننده هویت، قدرت و امنیت در سیاست خارجی ج.ا.ایران نسبت به عربستان سعودی در زمان‌ها و شرایط مختلف با توجه به دو عامل تعیین کننده: موقعیت بین المللی کشور و انتخاب تصمیم گیرندگان توضیح داده می‌شود.

کلیدواژه: جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، هویت، قدرت،

امنیت.

تاریخ تأیید ۱۳۹۷/۰۲/۲۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۱/۱۶

مقدمه

از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت جمهوری اسلامی ایران تاکنون روابط ایران و عربستان سعودی با رقابت‌ها، بی‌اعتمادی و منازعات در سطوح مختلف روبرو بوده است. عوامل ساختاری پایدار و مؤثر بر روابط ج.ا.ایران و عربستان سعودی مانند تفاوت‌های ژئوپولیتیک شامل تفاوت در ویژگی‌های جمعیتی و جغرافیا سبب شکل‌گیری دیدگاه‌های متفاوت در مورد مسائل منطقه‌ای، رهبری بر منطقه، مسائل مربوط به نفت خلیج فارس و نقش قدرت‌های خارجی گردیده و تفاوت‌های هویتی شامل تفاوت میان قومیت فارس و عرب و مذهب شیعه و سنی، اختلافات بین این دو کشور را تشدید کرده است. علاوه بر عوامل ساختاری فوق، رفتارهای جمهوری اسلامی ایران به عنوان تنها دولت شیعه در ارایه آن به عنوان یک الگو برای دیگران و تأکید بر هدف صدور اسلام واقعی و ایجاد حکومت جهانی اسلامی، باعث گردیده که ایران برای عربستان و کشورهای دیگر در خلیج فارس به عنوان خطری آشکار و مستقیم دیده شود (Chubin&Tripp, 2014, 2-5). علاوه بر خصومت‌های تاریخی موجود، واقعیت‌های جدیدی در روابط میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی وجود دارد که سبب ادامه اختلاف‌ها و منازعه دائمی در روابط این دو کشور گردیده است. یکی از این واقعیت‌ها این است که در حالی که ایران خواهان نوعی امنیت بومی با همکاری کشورهای منطقه و بدون دخالت قدرت‌های خارجی است، عربستان سعودی طرفدار نقش موازنه گر هژمونی خارجی برای حفظ قدرت و امنیت خود در برابر ایران است. یکی دیگر از چالش‌های جدید در روابط ایران و عربستان حمایت هر دو قدرت از گروه‌های فرقه‌ای و غیر دولتی در منطقه است که موجب به راه انداختن جنگ‌های نیابتی در برخی از کشورهای منطقه شده است.

در اغلب پژوهش‌های انجام گرفته، روابط ایران و عربستان با تأکید بر یکی از معیارهای هویت، قدرت و امنیت بدون توجه به دو عامل دیگر و حتی در تعارض با هم مورد مطالعه قرار گرفته است. در نتیجه همچنان ابهامات و سؤال‌های بسیاری در این زمینه وجود دارد؛ آیا روابط ج.ا.ایران و عربستان سعودی بر اساس هویت و یا منافع ژئواستراتژیک یعنی رقابت برای حفظ و افزایش قدرت و امنیت شکل گرفته است؟ عامل اصلی تعیین‌کننده در روابط ایران و عربستان کدام یک است؛ هویت، قدرت، امنیت یا رویکردی که هر سه را در بر می‌گیرد؟ در این صورت نوع و نحوه ارتباط این سه عامل در شکل‌دهی به سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال عربستان در گذر زمان و در موقعیت‌های مختلف چگونه نمود

یافته است؟ از این رو در مقاله حاضر برای شناخت دقیق تر و در راستای غنای نظری موضوع، تلاش می‌کنیم به ابعادی که در تحقیقات دیگر مغفول مانده و در مرکز توجه نبوده است، پردازیم. در گام اول، تلاش می‌کنیم با بررسی و ارزیابی واقعیات و شواهد تاریخی در روابط میان ج.ا.ایران و عربستان سعودی نشان دهیم که یک عامل به تنهایی نمی‌تواند ظرفیت توضیحی لازم را درباره روابط پرابهام و پرچالش میان ج.ا.ایران و عربستان در زمان طولانی و موقعیت‌های مختلف داشته باشد. از این رو، برای فهم و درک درست و دقیق ماهیت روابط ج.ا.ایران و عربستان می‌بایست به نقش همزمان و همبسته هر سه عامل هویت، قدرت و امنیت و چرایی و چگونگی نوع و نحوه ارتباط آن‌ها در تصمیمات سیاست خارجی توجه داشت. به طور کلی، آنچه که مقاله حاضر را از تحقیقات دیگر متمایز می‌سازد: نخست، توجه به نقش تعاملی، همزمان و دائمی هر سه عامل تعیین کننده هویت، قدرت و امنیت در مطالعه روابط ج.ا.ایران با عربستان سعودی و سپس، پرداختن به چرایی و چگونگی نوع و نحوه ارتباط آن‌ها در زمان‌ها و شرایط مختلف متأثر از دو عامل موقعیت بین‌المللی کشور و انتخاب تصمیم گیران می‌باشد. در این راستا، مقاله پیش رو تلاش دارد در چارچوب مدل نظری ارائه شده توسط نگارندگان - که محتوای کامل آن قبلاً در مقاله «هویت، قدرت و امنیت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: یک چارچوب نظری» آورده شده است - به ارزیابی و تحلیل روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان پردازد (حاجی یوسفی و محمدی، ۱۳۹۷).

سابقه تحقیق

بررسی ادبیات موجود مربوط به سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال عربستان سعودی و روابط دو کشور، نشان می‌دهد که اغلب مطالعات انجام گرفته یکی از مفاهیم هویت، قدرت یا امنیت را به عنوان پیشران و عامل شکل دهنده رفتارهای سیاسی و روابط دو کشور محور توجه قرار داده‌اند. بر این اساس ادبیات موجود در این زمینه را به سه دسته تقسیم می‌کنیم. در ادبیات «هویت محور» به طور مثال در برخی مطالعات انجام گرفته مانند «رقابت‌های ژئوپلیتیک و روابط ایران و عربستان: مکانیزم‌ها و راهبردها» (حق شناس، موسوی شفقانی، سجادیپور و شریعتی نیا: ۱۳۹۶)، تحولات منطقه‌ای و سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران (۱۹۹۱ م. - ۲۰۱۲) (منصوری مقدم، ۱۳۹۴) و «هویت و سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران» (منصوری مقدم، ۱۳۹۱)، وهابیت و خشونت‌گرایی اسلامی از منظر جامعه‌شناختی: نگاهی

به آینده روابط ایران و عربستان سعودی (میری، ۱۳۹۵)، «تحول روابط ایران و عربستان و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک خلیج فارس» (حافظ نیا و رومینا، ۱۳۸۴)، عناصر سیاسی / هویتی به عنوان مهم ترین عامل تعیین کننده و تأثیر گذار در روابط ایران و عربستان مورد توجه قرار گرفته است. در میان پژوهش های خارجی انجام گرفته در کتابی با عنوان عربستان سعودی و ایران: رقابت قدرت نرم در خاورمیانه، (Mabon, Simon, 2013) روابط ایران و عربستان سعودی در چارچوب نظریه قدرت نرم و سخت جوزف نای مورد مطالعه قرار گرفته است. در این کتاب رقابت های فرقه ای باعث می شود رقابت بین این دو کشور شدید تر شود.

گروهی دیگر از مطالعات انجام گرفته با تأکید بر منافع ژئوپلیتیک و سیاست قدرت به تحلیل روابط ج.ا.ایران و عربستان پرداخته اند. به طور مثال: کتاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بستر منافع ملی (با نگاهی بر روابط ایران و عربستان) (معنوی، ۱۳۸۷)، پژوهشی دیگر با عنوان «ژئوپلیتیک منطقه و روابط ایران و عربستان» (ده شیرینی و حسینی، ۱۳۹۵)، و در میان آثار خارجی، به طور مثال، کتاب روابط ایران و عربستان سعودی و نظم منطقه ای (Chubin & Tripp, 2014)، کتاب روابط سعودی- ایران از سقوط صدام (Wehrey, 2009)، مقاله «ایران، عربستان سعودی و رقابت ژئوپلیتیک در یمن» (Munteanu, 2015)، منافع ژئواستراتژیک و رقابت برای افزایش قدرت را عامل شکل دهنده رفتار سیاسی و رقابت ایران و عربستان می دانند. پژوهش دیگری با عنوان عربستان سعودی: عراق، ایران، توازن قدرت منطقه ای و مسائل فرقه ای (Gause, 2007) رقابت برای حفظ توازن قدرت سیاسی را عامل مؤثر در روابط ایران و عربستان می دانند.

در ادبیات امنیت محور برخی از محققان امنیت را در پیوند با هویت و برخی دیگر آن را در ارتباط با منافع ملی و قدرت بررسی کرده اند. به طور مثال در مقاله «بررسی عوامل منطقه ای واگرایی در روابط ایران و عربستان (۱۳۹۰ - ۱۳۸۴)» (ازغندی و آقاعلیخانی، ۱۳۹۲)، مقاله «تبار شناسی سیاست خارجی عربستان سعودی: راهبردی واقع گرایانه بر بستری هویتی»، (عطایی و منصوره مقدم، ۱۳۹۲) نگرانی ها و ملاحظات امنیتی را مهم ترین عامل تأثیر گذار بر روابط عربستان سعودی با ایران می دانند. در میان آثار خارجی، پژوهشی با عنوان «کشورهای خلیج عربی و اصلاحات در خاورمیانه: بین ایران و بهار عربی»، (Guzansky, 2015) نویسنده ملاحظات امنیتی عربستان را بر روابط آن با ایران تأثیر گذار می دانند. علاوه بر سه دیدگاه فوق، در برخی پژوهش ها مانند کتاب مناسبات ایران و عربستان سعودی از سقوط صدام (Ghez et al., 2009) و کتاب روابط ایران و

عربستان سعودی: نظم منطقه‌ای (Chubin&Tripper, 2014) علاوه بر عوامل ژئوپلیتیکی بر عوامل ایدئولوژیکی نیز توجه شده است.

چارچوب نظری

مدل نظری که در این مقاله استفاده می‌شود قبلاً توسط نگارندگان برای تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، در مقاله‌ای با عنوان «هویت، قدرت و امنیت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: یک چارچوب نظری» ارائه شده است (حاجی یوسفی و محمدی، ۱۳۹۷). مدل نظری ارائه شده نشان می‌دهد که هر سه عامل هویت، قدرت و امنیت به صورت تعاملی، همزمان و دائمی نقش تعیین کننده‌ای در تمامی تصمیمات و کنش‌های سیاست خارجی ج.ا.ایران ایفا می‌کنند اما نوع و نحوه ارتباط آن‌ها در زمان‌ها و شرایط مختلف، تحت تأثیر این دو عامل مهم قرار دارد: الف) محیط و موقعیت بین‌المللی کشور و ۲) ملاحظات و اولویت‌های داخلی که در پروسه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سیاست خارجی شکل می‌گیرد. تصمیم‌سازی (Decision Making) در حوزه مسئولیت برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در حوزه مسئولیت سیاستمداران قرار می‌گیرد. تصمیم‌سازی به چگونگی ساختن انتخاب‌ها مربوط می‌شوند، اما تصمیم‌گیری، انتخاب یکی از گزینه‌های از پیش تعیین شده است که توسط یک فرد یا مجموعه‌ای از افراد به نیابت از حکومت در برخورد با مسئله یا موضوع مورد نظر دنبال می‌شود. (Anderson, 1975: 80-83). تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی که به انتخاب‌های افراد، گروه‌ها و ائتلاف‌های داخلی در امور بین‌المللی اشاره دارد (Renshon and Renshon, 2008: 509). به طور کلی فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری شامل چهار مرحله است: ۱. شناسایی مسئله ۲. جستجو برای راه حل ۳. انتخاب یک راه حل و ۴. اجرای تصمیم (Robinson and Snyder, 1965: 437-438). تصمیم‌سازی و نوع انتخاب تصمیم‌گیرندگان در سیاست خارجی، در سطح داخلی اغلب تحت تأثیر ملاحظات هنجاری، اختلاف‌های جناحی و تفاوت‌های رویکردی جریان‌های سیاسی حاکم قرار دارد. همساز بودن یا نبودن نوع هویت و اهداف تعیین شده در نظام اعتقادی و سیاسی داخل با موقعیت بین‌المللی کشور ناشی از تغییرات محیط بین‌الملل، بر انتخاب تصمیم‌گیرندگان و ترتیب اولویت و شکل‌بندی عوامل تعیین‌کننده تأثیر می‌گذارد و چون در موقعیت‌های مختلف تصمیم‌گیرندگان قادر به کنترل کامل همه شرایط و عوامل نیستند در برخی از شرایط مجبور می‌شوند اولویت‌بندی اهداف و پیشران‌ها را تغییر دهند. بدین ترتیب، با توجه به شرایطی که از محیط بین‌المللی بر کشور تحمیل

می‌شود، تصمیم‌گیرندگان بر اساس رویه‌های موقعیتی داخلی و بین‌المللی تعیین می‌کنند در شرایط معینی کدام عامل یا عوامل در اولویت قرار گیرد، پیگیری کدام اهداف ضرورت دارد و کدام رویکرد و خط مشی برای رسیدن به اهداف مناسب‌تر است. در زیر مدل نظری ارائه شده به صورت نمودار نشان داده شده است. این مدل در این مقاله در ارتباط با روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی مورد کاربست قرار می‌گیرد.



شکل ۱. پروسه نوع ونحوه ارتباط سه پیشران هویت، قدرت و امنیت در شکل دهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

تحلیل و ارزیابی نقش هویت، قدرت و امنیت در روابط ایران و عربستان

در این بخش از مقاله به توضیح نقش سه عامل هویت، قدرت و امنیت در روابط ایران با عربستان می‌پردازیم. سپس در بخش بعدی مقاله تلاش می‌کنیم با استفاده از چارچوب نظری ارائه شده، چرایی و چگونگی نوع و نحوه ارتباط پیشران‌های سه گانه هویت، قدرت و امنیت در شکل دهی به روابط ایران و عربستان را نشان دهیم.

هویت و روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی

هویت دولت‌ها محور تعریف آن‌ها از واقعیت و برساختن مسائلی چون قدرت، منافع ملی، دوست و دشمن، امنیت و ... و در نهایت تصمیم‌گیری و کنش بر اساس آن‌هاست. (Adler, 2005:78-79). نوع هویت کشورها، بر اشکال روابط خارجی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. به این معنا که کشورها بنا به الزامات هویتی مجبور به قطع روابط با برخی از کشورها و برقراری رابطه با برخی دیگر از کشورها هستند. دولت‌ها بر مبنای هویت خاص خود منافع، اهداف و رفتارهای مختلفی در سیاست خارجی خود دارند. به طور معمول

دولت‌ها در قالب هویت برساخته از محیط داخلی خود وارد عرصه بین‌المللی می‌شوند ولی هنجارهای بین‌المللی، عملکرد آن‌ها را محدود و ذهنیت آن‌ها را دگرگون می‌کند (Rittberger, 2002. Katzenstein, 1996).

در ده سال اول پس از انقلاب، زمانی که امام خمینی (ره) رهبر انقلاب بود، گفتمان اصلی "نه شرقی و نه غربی، جمهوری اسلامی" و "صدور انقلاب"، با هدف آزادسازی کشورهای مسلمان و غیرمسلمان از "حاکمان سرکوبگر و فاسد" و تأکید بر اصل جهاد از طریق بسیج مردم ایران برای حمایت از انقلاب اسلامی در طول جنگ هشت ساله با عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸)، بر سیاست خارجی ج.ا.ایران مسلط بود (Rakel, 2007: 147). یکی از رفتارهای ج.ا.ایران در راستای هدف صدور انقلاب انتقاد از رژیم‌های اسلامی حکومت‌های عربی به ویژه رژیم بعث در عراق و آل سعود بود. سیاست خارجی ایران از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹، زمانی که امام خمینی (ره)، رهبر انقلاب بود، عمدتاً با شعارهای ایدئولوژیک و هویتی (مذهب) دنبال می‌شد. بنابراین رقابت منطقه‌ای که تا پیش از انقلاب اسلامی ایران بیشتر ژئوپلیتیکی و معطوف به حوزه خلیج فارس بود، پس از انقلاب با اضافه شدن عامل هویت، شدت بیشتری به خود گرفته و علاوه بر خلیج فارس، کل غرب آسیا را در بر گرفته بود. سیاستمداران ج.ا.ایران تا دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و پایان جنگ عراق و ایران، رویکرد ایدئولوژیک (یعنی موضع‌گیری مذهبی در رفتارهای سیاسی) را در سیاست خارجی خود دنبال کردند. رویکرد ایدئولوژیک در سیاست خارجی باعث انزوای ایران در جامعه بین‌المللی شده بود. در این شرایط نیاز به بهبود شرایط در داخل، بدون داشتن روابط با جامعه بین‌المللی ممکن نبود (Soltani, 2010: 205). بنابراین پس از روی کار آمدن دولت هاشمی رفسنجانی (۱۹۸۹-۱۹۹۷) و جنگ ایران و عراق، رویکرد سیاسی دولت از سنت‌گرایی رادیکال به موضع محافظه‌کارانه‌تر تغییر کرد. گرچه در دوره‌های ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و دوره محمد خاتمی، تحت تأثیر شرایط و موقعیت بین‌المللی و در نتیجه تغییر در رویکرد سیاسی، از شدت تنش در روابط جمهوری اسلامی ایران با عربستان سعودی و همسایگان عرب آن تا حدودی کاسته شد؛ اما همچنان ایدئولوژی شیعه، چهارچوب و مبنای سیاست‌گذاری و روابط خارجی ج.ا.ایران بود (Rakel, 2007: 149). بعد از تحولات ۲۰۰۳ در عراق و سقوط حکومت صدام حسین، دوباره تنش شدیدی در روابط دوجانبه ایجاد شد. جنگ سال ۲۰۰۳ در عراق حساسیت به هویت شیعه و سنی را در روابط میان عربستان و ایران افزایش داد. عربستان سعودی تلاش

می‌کرد تنش‌های فرقه‌ای شیعه/ سنی در روابط خود با ایران را در پوشش سیاست موازنه‌گرایی منطقه‌ای و حفظ توازن قدرت در برابر ایران نشان دهد (Gause, 2007: 2). نتیجه این تحولات، افزایش حوزه‌های ظرفیت‌سازی در سیاست خارجی ایران نه تنها در روابط با عراق، بلکه در روابط با کشورهای حاشیه جنوبی منطقه خلیج فارس، جهان عرب و قدرت‌های بزرگ بود (اسدی، ۱۳۸۸: ۸۳). بنابراین، عربستان سعودی و سنی‌ها تلاش کردند تصویر غیر قابل اعتماد و خشونت‌طلبی از تشیع در میان دولت‌ها و مردم منطقه ترسیم کنند. (Fuller, 2006: 141). در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد و اعلام موضع خصمانه در برابر ایالات متحده و اسرائیل، روابط ج.ا.ایران با عربستان سعودی که بزرگترین متحد آمریکا در منطقه بود پیچیده‌تر شد. در این دوره، چالش اساسی دیگر در روابط میان ایران و عربستان سعودی برنامه هسته‌ای ایران و نگرانی عربستان از غنی‌سازی اورانیوم بود. سعودی‌ها معتقد بودند که پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران، قدرت ایران را برای تشدید رقابت‌ها و جنگ‌های فرقه‌ای در قالب هویت شیعه و سنی افزایش خواهد داد. با آغاز وقایع بهار عربی در ۲۰۱۱ و حمایت عربستان سعودی و ج.ا.ایران از حکومت‌ها و گروه‌های متحد خود اختلافات دو کشور و تنش‌های فرقه‌ای (شیعه و سنی) در سیاست خارجی دو کشور افزایش یافت. اما در مدت زمان طولانی، سیاست‌های هویتی نتیجه معکوسی برای هر دو طرف در پی داشته و منجر به گسترش درگیری و جنگ در منطقه شده است (Wehrey, 2009). در دوره روحانی، با وجود رویکرد دولت مبنی بر تنش‌زدایی و تعامل با همسایگان، اقدامات هر دو قدرت برای موقعیت برتر منطقه‌ای موجب ادامه اختلاف‌ها و درگیری‌ها در روابط میان این دو کشور شده است. همچنین حکومت عربستان سعودی به عنوان یک نظام سنتی محافظه‌کار تلاش می‌کند با تغییر در رویکرد سیاسی خود مانند اعلام دوری از سیاست‌ها و رقابت‌های فرقه‌ای در منطقه، حمایت از گروه‌های شیعی در داخل، دستگیری و محاکمه برخی از رؤسای سنی با هدف برقراری عدالت اجتماعی و ...، با جلب حمایت ایالات متحده و جامعه بین‌المللی به خود، ایران را به حاشیه بکشاند. از آنجا که هر دو حکومت عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران به دنبال صدور باورهای ایدئولوژیک خود در سراسر جهان اسلام هستند، هیچ‌یک از دو طرف نمی‌تواند از تلاش‌های دیگری برای استفاده از دین برای مقاصد دیپلماتیک و یا استراتژیک چشم‌پوشی کند. در واقع این که هیچ‌یک از طرفین اجازه نمی‌دهد دشمن در مسابقه فرقه‌ای پیروز شود یک معضل امنیتی در منطقه ایجاد کرده است.

قدرت و روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی

در روابط ج.ا.ایران با عربستان سعودی، علاوه بر عامل هویت (اسلام گرایی و مذهب شیعه) عامل قدرت (ژئواستراتژیک) به عنوان یکی دیگر از پیشران‌های اصلی سیاست خارجی بر تصمیمات و کنش‌های سیاست خارجی ایران تأثیر داشته‌اند. قدرت در روابط میان کشورها، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده موقعیت بین‌المللی آن‌ها در نظام بین‌الملل است. دو دسته عوامل سخت افزاری (ساختار نظامی - سیاسی) و نرم افزاری (اقتصادی - تکنولوژیک و فرهنگی - ارتباطی) منزلت قدرتی یک دولت را در نظام بین‌الملل مشخص می‌نماید (سیف زاده، ۱۳۸۱: ۵۰). رقابت میان ج.ا.ایران و عربستان سعودی، برای افزایش نفوذ خود در خاورمیانه به ویژه منطقه خلیج فارس از زمان وقوع انقلاب ۱۳۵۷ و به ویژه بعد از جنگ خلیج فارس ۱۹۹۱ افزایش یافته است. سیاست خارجی ایران از زمان انقلاب ۱۳۵۷، در دو سطح نظامی (افزایش قدرت جنگی) و در سطح فرهنگی (گسترش هویت خود) به دنبال افزایش موقعیت و نقش خود در امور منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. دستیابی به جایگاه هژمونیک و موقعیت برتر در منطقه، از اهداف اصلی و دائمی سیاست خارجی ایران، در قبل و بعد از انقلاب اسلامی بوده است. برخی از متخصصان سیاست خارجی معتقدند ایران دارای پتانسیل‌هایی است که توانایی آن را دارد به قدرت اول منطقه تبدیل شود (احتشامی، ۱۳۷۸: ۱۴۰)، (سریع‌القلم، ۱۳۸۵). عربستان نگران آن است که اختلافات هویتی بین دو کشور در منطقه، احتمال استفاده ایران از قدرت نظامی آن را افزایش دهد. نگرانی عربستان سعودی نسبت به رفتارهای جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی منطقه‌ای آن، به طور مکرر به مقامات ایالات متحده آمریکا ابراز شده است. دیدگاه و منافع مشترک عربستان سعودی و ایالات متحده در مورد نظم امنیتی منطقه و سیاست‌های نفتی، منجر به وابستگی متقابل و اتحاد عمیق‌تر میان این دو کشور شده است. هر دو کشور همچنان به ایران به عنوان یک تهدید جدی برای منافع‌شان نگاه می‌کنند (Gause, 2011:15). تبدیل شدن ایران به کانون توجه تلاش‌های سیاسی عربستان نشان‌دهنده وجود نگرانی فزاینده این کشور از افزایش قدرت نظامی ایران و برهم خوردن توازن نظامی منطقه است. اما در سال‌های اخیر اندازه‌گیری قدرت نظامی و در نتیجه توازن نظامی در منطقه تغییرات فراوانی را تجربه کرده است. بعضی از این تغییرات نتیجه جنگ‌های منطقه‌ای بوده است. جنگ عراق نیز مانند جنگ خلیج فارس ۱۹۹۱ و جنگ افغانستان پیش از آن، به طور کلی، برتری بالقوه جنگ‌هوشمندانه را نسبت به کمیت آن

نشان می‌دهد. این نوع جنگ‌ها نشان داد که قدرت تخریب‌کنندگی موشکی و همچنین زره و توپخانه پیشرفته، ممکن است توان مقابله با حریفی که از لحاظ تکنولوژیکی برتر است را نداشته باشد. همچنین جنگ‌های تروریستی و تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی توازن نظامی در منطقه را تغییر داده است. نتیجه این است که توازن نظامی منطقه‌ای به شدت فزاینده‌ای نامتقارن است و این بدان معنی است که اندازه‌گیری توازن نظامی به تدریج سخت‌تر می‌شود (Cordesman, 2006: 4-5). عربستان برای توازن یا افزایش قدرت خود در برابر ایران، به طور مداوم برای اتحاد با کشورهای عربی خلیج فارس و به ویژه ایالات متحده، تلاش‌های بسیاری انجام داده است. در حالی که در مقابل ج.ا.ایران نیز به دنبال نفوذ در کشورهای عربی خلیج فارس برای ترغیب آن‌ها به قطع روابط با غرب و حمایت از گروه‌های عربی شیعه طرفدار خود است.

بر اساس گزارشی از اندازه‌گیری قدرت تسلیحاتی ایران و توازن نظامی آینده منطقه در پایگاه داده‌ای مؤسسه مطالعات استراتژیک بین‌المللی (IISS)، ایالات متحده ایران را "تهدید شماره یک در خاورمیانه" می‌نامد و پیش‌بینی می‌کند که تهدید موشک‌های بالستیک کوتاه و متوسط ایران نسبت به گذشته در حال افزایش است. مقامات اسرائیل و عربستان نیز به طور مشابه برنامه‌های موشکی ایران را مسئله‌ای نگران‌کننده و جدی توصیف می‌کنند. در عین حال، کشورهای حوزه خلیج فارس عمیقاً نگران آن هستند که موشک‌های ایران به منظور ارباب و مخدوش ساختن موافقتنامه‌های سیاسی آن‌ها با عربستان سعودی مورد استفاده قرار گیرد (Deluchi, 2008: 18). به طور مثال در جنگ اخیر میان دولت یمن و اقلیت حوثی یمن، عربستان به طور مکرر ایران را به حمایت از شورشیان حوثی با کمک‌های تسلیحاتی، مالی و آموزشی متهم کرده‌اند. عربستان و کشورهای عربی ناآرامی در منطقه را به ایران نسبت می‌دهند که با بی‌ثبات کردن کشورهای منطقه خلیج فارس به دنبال تبدیل شدن به یک هژمون منطقه‌ای است (Munteanu, 2015).

مقامات آمریکایی بر این باورند که زرادخانه موشکی ایران بخش جدایی‌ناپذیر استراتژی آن است تا اقدامات دشمنان در منطقه را متوقف و در صورت لزوم تلافی کند. از نظر آمریکا، ایران می‌تواند از زرادخانه موشک‌های بالستیک خود برای کاهش قابل توجه تولید نفت عربستان سعودی استفاده کند. کاهش تولید نفت عربستان سعودی "بدترین مورد" از دیدگاه ایالات متحده و متحدان آن است. از این رو آمریکا با تقویت

زیر ساخت‌های عربستان سعودی و کاهش توانایی‌های ایران از طریق تحریم‌ها به عربستان و کشورهای حوزه خلیج فارس این اطمینان را داده است که اگرچه کشورهای منطقه همچنان در مورد چالش‌های مو شک‌های بالستیک ایران نگران هستند، اما حمله‌های موشکی ایران علیه زیرساخت‌های نفتی قادر نخواهد بود صادرات نفتی عربستان را متوقف سازد (Deluchi, 2008: 15-25). در بعد نرم افزاری قدرت، هر دو کشور عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران این نگرانی را دارند که دیگری تلاش می‌کند با تأکید بر مذهب و صدور باورهای ایدئولوژیک خود در سراسر جهان اسلام، به اهداف سیاسی یا استراتژیک خود دست یابد. به طوری که حتی تلاش‌های ج.ا.ایران برای کاربرد قدرت نرم در روابط با عربستان و سیاست‌های طراحی شده برای افزایش درک متقابل فرهنگی و گردشگری مذهبی در روابط بین این دو کشور به بروز معضلات امنیتی انجامیده که همواره سبب شده روابط فرهنگی دو دولت در شرایط عدم اعتماد متقابل صورت می‌گیرد. رقابت‌های هویتی ایران و عربستان به طور مداوم معطوف به قدرت و مبتنی بر سرکوب دیگری بوده است. قدرت نیز از آن رو که ذاتاً میل به اعمال‌شدن داشته همواره موجب سلطه‌های هویتی خاص می‌گردد. نوع و نحوه چنین ارتباطی میان قدرت و هویت، رویکرد سیاسی-امنیتی حاکم را شکل داده که منجر به ظهور الگوهای امنیتی مختلف از «همکاری» تا «جنگ» گشته است.

امنیت و روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی

برای شناخت هر دو دسته روابط امنیتی جنگ طلبانه و صلح آمیز در روابط ایران و عربستان سعودی باید به روابط متقابل میان امنیت، قدرت و هویت در سیاست خارجی توجه داشته باشیم. در نگاه سنتی به امنیت، فرض بر این است که دولت‌ها تنها در پی امنیت فیزیکی هستند و به دیگران هم آسیب فیزیکی می‌زنند، اما در روابط بین‌المللی جدید تنها امنیت فیزیکی نیست که دولت‌ها در پی آن هستند. برخلاف معمای امنیت، پندار طرفین از خود و دیگری و تعارض‌های هویتی است که کنش و واکنش‌های سیاسی-امنیتی را تعیین می‌کند. در این حالت دولت‌ها نسبت به درگیری‌های فیزیکی بیشتر درگیر نزاع‌های هویتی می‌شوند (Mitzen, 2013: 355) و هویت به وسیله‌ای برای حفظ قدرت کارگزاری (هدف) تبدیل می‌شود. باری بوزان می‌گوید انگیزه و اهداف بازیگران نیز باعث ایجاد معمای قدرت-امنیت می‌باشد یعنی حفظ وضع موجود یا تغییر وضع موجود باعث ایجاد کشمکش میان بازیگران خواهد شد (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶). از نظر بوث یکی از اندیشه پردازان برجسته مکتب مطالعات انتقادی امنیت، امنیت، مفهومی انگیزشی یا برساخته است